

۱۳۷۵۹۴۲
۹۲/۹/۲

بسم الرحمن الرحیم

کلمات قصار منظوم علی علیه السلام

اثری ماندگار از: مولانا مکتبی شیرازی

با مقدمه‌ی استاد فقید ملک الشعراء بهار

و مقدمه‌ی منظوم از: شاعر فقید مرحوم پژمان بختیاری

به کوشش

عباس یزدی

انتشارات فرهنگ دانشجو

سرشناسه: مکتبی شیرازی - ۹۱۶ ق.
 عنوان و پدید آور: کلمات قصار منظوم علی علیه السلام / اثری از مکتبی شیرازی،
 با مقدمه ملک الشعرای بهار و مقدمه منظوم از پژمان بختیاری / به کوشش عباس یزدی
 مشخصات نشر: تهران: فرهنگ دانشجو، ۱۳۹۴، ۸۰ ص
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۷۹-۷۷-۵
 موضوع: شعر فارسی - قرن ۸ ق.
 شناسه افزوده: عباس یزدی، بهمن ۱۳۳۰
 شناسه افزوده: بختیاری، پژمان ۱۳۵۳ - ۱۲۷۹
 شناسه افزوده: بهار، محمد تقی ۱۳۳۰ - ۱۲۶۵ مقدمه نویس
 رده بندی دیویی: ۳۳ / افا ۸
 شماره کتاب شناسی ملی: ۳۹۶۳۶۷۲

انتشارات فرهنگ دانشجو

عنوان : کلمات قصار منظوم حضرت علی علیه السلام
 به کوشش : عباس یزدی
 ویراستار : محمد یزدی
 ناشر : فرهنگ دانشجو
 طرح جلد : فرشاد
 چاپ : نسیم
 نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۴
 شمارگان : ۱۰۰۰ جلد
 قیمت : ۷۵۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

انتشارات فرهنگ دانشجو: خیابان انقلاب - خیابان بهار - برج بهار

طبقه پنجم - واحد ۵۹۹

تلفن: ۰۹۱۲۳۱۳۷۵۹۵ - ۷۷۶۱۶۴۸۲ - ۷۷۶۱۶۳۵۱

فکس: ۸۸۳۳۴۲۱۷

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۷۹-۷۷-۵

ISBN 978-964-8479-77-5

فهرست مطالب

شماره صفحه

عنوان

۱	پیشگفتار
۳	مقدمه استاد ملک الشعراء بهار
۷	مقدمه منظوم پژمان بختیاری
۱۱	کلمات قصار منظوم علی علیه السلام
۱۱	جَلَّ مَنْ لَا يَمُوتُ
۱۱	خَفَّ اللَّهُ تَأْمَنَ غَيْرُهُ
۱۲	تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ يَكْفِيكَ
۱۳	ذِكْرُ الْمَوْتِ صَنِقِلَ الْقَلْبُ
۱۲	ذِكْرُ الْمَوْتِ جَلَاءُ الْقُلُوبِ
۱۵	ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ بُخْلٌ وَ شُحٌّ وَ عَجْبٌ
۱۹	دَاءُ النَّفْسِ فِي الْحِرْصِ
۲۰	دَوَاءُ الْقَلْبِ الرِّضَاءُ بِالْقَضَا
۲۰	بِيعِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تَرَبِّحْ
۲۰	نَعِيتْ إِلَيْكَ نَفْسِيكَ حِينَ شَابَ رَأْسُكَ
۲۲	بَرَكَهَ الْعُمَرِ حُسْنُ الْعَمَلِ
۲۳	بَلَاءُ الْإِنْسَانِ مِنَ اللِّسَانِ
۲۴	طَوْبِي لِمَنْ رَزَقَ بِالْعَافِيَةِ
۲۵	طَوْبِي لِمَنْ لَا أَهْلَ لَهُ
۲۷	الذَّلُّ مَعَ الطَّمَعِ
۲۷	كَفَاكَ مِنْ عُيُوبِ الدُّنْيَا أَنْ لَا تَبْقَى
۲۹	كَفَاكَ هُمَا ذِكْرُكَ بِالْمَوْتِ
۳۰	كَفَى بِالشَّيْبِ نَاعِيًا
۳۱	كَفَى بِالشَّيْبِ ذَاءً

زوايا الدنيا مشحونه بر لرزايا	٣٢
قوام السرور به رؤية الاخوان	٣٢
رؤية الحبيب جلاء العين	٣٣
خُصومة الاحباء اصعب من عداوة الاعداء	٣٤
طعن اللسان اشد من ضرب السنان	٣٥
ضاقَت الدنيا على المتباعدِضين	٣٦
فعل المرء يدل على أصله	٣٧
عدو عاقل خير من صديق جاهل	٣٨
غلام عاقل خير من شيخ جاهل	٣٩
فخر المرء به فضله اولى من فخره باصله	٤٠
فعل المرء يدل على أصله	٤١
أدب المرء خير من ذهبه	٤٣
يأس القلب راحة النفس	٤٤
رزقك تطليكَ فاسترح	٤٥
جد بما تجد	٤٧
كافر سخي ارجى في الجنة من مسلم شحيح	٤٩
دينار الشحيح خبز	٤٩
شحيح غني افقر من فقير سخي	٥٠
تراحم الأيدي في الطعام بركته	٥١
تواضع الإنسان يكرمه	٥٢
برك لا تبطله بالمنة	٥٣
بشاشته الوجه عطية ثانيه	٥٤
وزر صدقة المنان أكثر من أجره	٥٦
ثن احسانك بالاعتذار	٥٧
وضع الاحسان في غير موضعه ظلم	٥٨

.....	خَالِفْ نَفْسَكَ تَسْتَرَحْ	۵۸
.....	جَالِسِ الْفُقَرَاءَ تَزِدُّ شُكْرًا	۶۰
.....	قُرْبُ الْأَشْرَارِ مُضِرَّةٌ	۶۰
.....	عَمَزَةُ الْمَوْتِ أَهْوَى مِنْ مُجَالِسَتِهِ مَنْ لَا يَهْوَى قَلْبِكَ	۶۱
.....	ثَبَاتُ الْمُلْكِ بِالْعَدْلِ	۶۳
.....	ظُلْمُ الظَّالِمِ يَقُودُهُ إِلَى الْهَلَاكِ	۶۴
.....	جَوْلَةُ الْبَاطِلِ سَاعَةٌ وَجَوْلَةُ الْحَقِّ إِلَى السَّاعَةِ	۶۵
.....	أَدَاءُ الَّذِينَ مِنَ الدِّينِ	۶۶
.....	جُودَةُ الْكَلَامِ فِي الْإِخْتِصَارِ	۶۷
.....	لَيْنُ الْكَلَامِ قَيْدُ الْقُلُوبِ	۶۸
.....	خَيْرُ النِّسَاءِ الْوَلُودُ الْوَدُودُ	۶۹
.....	لَا غِنَى لِمَنْ لَا فَضْلَ لَهُ	۷۰
.....	لَا غَمَّ لِلْقَانِعِ	۷۱
.....	عَقِيبُ كُلِّ يَوْمٍ لَيْلٌ	۷۲
.....	فِي الْخَاتَمَةِ	۷۳
.....	انتشارات فرهنگ دانشجو منتشر کرده است:	۷۵

پیشگفتار

«مکتبی» صبرکن به هر سوزی کز پسی هر شبی بود روزی
آفریننده‌ی خنزان و بهار نوش با نیش ساخت گل با خار
راحت انسدر مقابل رنج است ازدها در مقابل گنج است

آثار ادبی ایران، بازتاب اندیشه‌ها، باورها، هنرمندی‌ها و عظمت روحی و معنوی ملت بزرگ و مسلمان ایران است که از دیرباز تاکنون حوادث پر فراز و نشیب بسیاری را پشت سر گذاشته و امروز بدست ما رسیده است. غنای این آثار، نشان‌دهنده‌ی تجربه‌ها، ژرف‌اندیشی‌ها و تلاش و کوشش فرزندان ادب و فرهنگ ایران و عظمت روح بلند و حقیقت‌جوی آنان است. هر برگ از ادب و فرهنگ ایران زمین، جلوه‌گاه نمایش آثار منظوم و منثور شاعران مشهوری چون فردوسی، سعدی، حافظ، نظامی، ناصرخسرو، خیام، سنایی، عطار، مولانا، جامی، سلمان ساوجی، صائب، هاتف، پروین، ایرج میرزا، بهار، الهی قمشه‌ای، دهخدا، شهریار و نویسندگانی چون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، ابوسعید ابی‌الخیر، شیخ بهایی، ابوالمعالی، ابوالفضل بیهقی، غزالی، قائم مقام فراهانی و دیگران است که با برخورداری از فرهنگ اسلامی و ذوق و کوشش فراوان خویش، آثاری باشکوه و ماندگار خلق کرده و سرمایه‌های گرانبهایی را به یادگار گذاشته‌اند که جاذبه و شیرینی این آثار هر صاحب دلی را مست و مسحور می‌کند و این شعر دلنشین مولانا را در گوش جان زمزمه می‌کند که:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

اکنون خدای بزرگ را شاکرم که این توفیق را به من داد تا سخنان گهربار مولای متقیان، امیر مؤمنان علی بن ابوطالب (علیه السلام) را که توسط مولانا مکتبی شیرازی به شعر فارسی ترجمه شده است، در اختیار علاقه‌مندان شعر و ادب فارسی قرار دهم.

کلمات قصار شاه نجف داده این نامه را هزار شرف

دی ماه ۱۳۹۴ - عباس یزدی

مقدمه

به قلم استاد فقید ملک الشعراء بهار

«آگاهی از مکتبی»

مولانا مکتبی، گویند شیرازی است و در محله‌ی قصرالدشت شیراز زندگی می‌کرده و در مسجد برده شیراز مکتبی داشته که به تدریس مشغول بوده است. پیداست که تخلص خود را نیز از کار خود گرفته است. آذر بیگدلی مختصر ذکری از او با نام «لیلی و مجنونش» آورده و مؤلف مجمع‌الفصحان نیز همان مضمون را قدری بسط داده و بدون آنکه بر معنی چیزی بیفزاید بر الفاظ افزوده است — خلاصه آنکه مکتبی نام شاعری بوده است از مردم شیراز که شغلش مکتب‌داری و طبع خوش داشته، گاهی غزلی منظوم می‌نموده تا دغدغه‌ای به خاطرش راه یافت که به طرز نظامی مثنوی خمسه گوید. لیلی و مجنون آغاز نهاد تا طبع را پختگی روی دهد و به دیگر مثنویات روی نهد ندانم توفیق نظم آن مثنویات را یافت و باقی نمانده یا عمرش به امید او وفا نکرد — لیلی و مجنون را بس نیکو گفته است.»

اتفاقاً در تذکره‌های دیگری که در عصر صفویه و بعد از آن تدوین شده مانند تذکره‌ی نصرآبادی — تذکره اسحق بیگ و برخی کُنکهای کار هندوستان و غیره خبری از مکتبی نیست و اگر هست همان است که دیدیم.

آذر و اسحق بیک چند بیت از غزل‌های مکتبی را ثبت کرده و لله‌باشی عین آنها را نقل نموده است و آن بیت‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

بستر راحت چه اندازیم بهر خواب خوش

ما که چون دل دشمنی داریم در پهلوی خویش

شب روم بر بام آن هم چشم بر روزن نهم

شیشه بردارم به جایش دیده‌ی روشن نهم

شده روز بی‌خود آن کس که شبت شراب داده

چو نخفته باغبانی که به گلشن آب داده

آلوده‌ی گردی ز پی صید که گشتی؟

غرقِ عرقی، از دلِ گرم که گذشتی؟

آنچه از «لیلی و مجنون» مکتبی بیرون می‌آید آن است که وی از مردم شیراز و مکتبی تخلص داشته و سفری به هندوستان کرده و از راه دریا بازگشته است و در یکی از بنادر غربی پیاده شده و وارد شهری شده که مردمش از تف^۱ خورشید تیره فام بوده‌اند و معلوم نیست کدام شهر بوده ولی همین قدر مُسلم است که از شهرهای عُمان یا نواحی خلیج فارس بوده است و از دور کوهی را که به او گفته‌اند کوه نجد است مردم به وی نشان داده‌اند، و نیز شک نداریم که به سفر مکه یا مدینه نرفته و الاً مفتخرأ از آن نام می‌برد... و بالاخره تاریخ ختم لیلی و مجنون او در سنه ۸۹۵ بوده است و صاحب فارسنامه گوید وی در مسجد بردی شیراز که قریه‌ای است به یک فرسنگی شهر به مکتب داری مشغول بوده است. فارسنامه ناصری صفحه ۱۵۱.

از آثار خود او بیش از این چیزی به دست نمی‌آید و حتی مکتب دار بودن او هم مستنداً معلوم نیست، و تنها این حدس را از روی تخلص او می‌توان دریافت. و نیز اگر به مسامحه قائل شویم، از اشعار لیلی و مجنونش برمی‌آید که در صدد ساختن خمسه‌ای مانند نظامی و امیرخسرو دهلوی بوده است.

تا اینجا اطلاعاتی است که ما از صاحب لیلی و مجنون داریم. اما باید دید صاحب کتاب کلمات قصار منظوم (کلمات علیه غزا) که کتابی است به بحر خفیف هم وزن «هفت پیکر» نظامی و بر طریقه «حَدِيقَةُ الْحَدِيقَةِ سَنَائِي» کیست؟

شک نیست که گوینده این کتاب نیز مکتبی نام داشته است چنانکه خود گوید:

مکتبی صبر کن بهر سوزی کز پس هر شبی بود روزی

این مکتبی در خراسان این کتاب را نگاشته یا لا اقل از برای مردی «ملک علی» نام که در خراسان بوده است گفته و برای او فرستاده است زیرا خود او گوید:

به خراسان ملک علی که فلک ساخت حکمش روان به ملک و ملک

اگر کلمه‌ی خراسان را در اول شعر مُصحف ندانیم کار ما مشکل می‌شود - زیرا در

۲ - قبر مکتبی اکنون در یک فرسنگی شیراز در مسجد بردی است.

۱ - گرما، حرارت

صورتی که این مکتبی همان مکتبی شیرازی باشد که در ۸۹۵ در فارس یا هندوستان می‌گشته، آن وقت در پیدا کردن ملک علی خراسانی که مرتبه‌ای ایالت داشته و به قول شاعر (صاحب ولایت و جاه) بوده به زحمت می‌افتیم، زیرا در آن دوره که بحران خاندان تیموری و آغاز مهاجمات ازبکان از مشرق و ترکمانها و صفویه از مغرب به خراسان است، «ملک علی نامی» که به قول شاعر: سالها در ولایت کافر، بوده خیرگشای چون حیدر، و به علاوه شیعه‌ی مرتضی علی علیه السلام هم باشد، در خراسان وجود ندارد و از این گذشته (خراسان خان) که نام پسر این «ملک علی» است نامش با سامی مردم خراسان شبیه نیست و با القاب مردم هند و درباریان دهلی کشمیر شبیه است، و قضا در ضمن تاریخ اکبری هم به نام چنین شخصی که از امرای سلطان بهادر گجراتی است، برمی‌خوریم. در تاریخ مزبور ضمن حوادث سنه‌ی ۹۴۱ که همایون پادشاه گورکانی به قصد تصرف گجرات لشکر می‌کشد اشاره می‌کند که: «در نواحی (مندسور) میان هراول حضرت جهانپانی و میان هراول سلطان بهادر - سید علیخان و میرزا مقیم که خراسان خان خطاب داشت، کارزار پیوست.

هرگاه ما لفظ (خراسان) در شعر مکتبی را مصحف دانسته و ملک علی و خراسان خان را از امرای هندوستان بشماریم، هم از حیث تاریخ حیات مکتبی و هم از آن حیث که ملک علی نامی در خراسان نیست، آسوده خواهیم شد چه بین ۸۹۵ که تاریخ ختم لیلی و مجنون است و ۹۴۱ که زمان امارت یا صاحب منصبی (خراسان خان) می‌باشد بیش از چهل و شش سال فاصله نمی‌ماند. به علاوه اشکالی که از عدم مسافرت مکتبی به خراسان هست، مرتفع می‌شود. به نظر می‌آید که مکتبی این کتاب را در سفر هندوستان که خود بدان اشاره کرده برای ملک علی نامی که از امرای گجرات بوده و با کفار در حرب و جنگ بوده است ساخته، و از قضا در تاریخ اکبری هم اشاره شده است که سلطان بهادر (پادشاه و آقای خراسان خان) با کفار هند در حال محاربه بوده که همایون شاه بر وی تاخته و او را از گجرات بیرون کرده، در صورتی که اگر ملک علی و پسرش خراسان خان را ساکن خراسان بشماریم شعر (سالها در ولایت کافر بوده، خیرگشای چون حیدر) درست نمی‌آید زیرا، در آن عهد ساکنان خراسان با کفار همسایه نبوده‌اند که با آنان جنگ کنند... نکته‌ی دیگر هم در یکی بودن یا نبودن این دو مکتبی، ما را دچار دغدغه می‌کند و آن سبک دو کتاب است - در مطالعه‌ی ساده‌ی این کتاب و مقایسه‌ی آن با لیلی و مجنون به خوبی آشکار است که سبک این دو با هم بسی متفاوت است، زیرا لیلی و مجنون سبکی

است کاملاً عراقی که کمی هم بوی هندی از آن تا حدی که در آن زمان متداول بوده است، استشمام می‌شود. در صورتی که اشعار (کلمات قصار) برخلاف شبیه به سبک سنایی و یا لا اقل اوحدی است، و اگر برخی قوافی دال و ذال در آن نمی‌بود، می‌توانستیم اشعار مزبور را به شعرای قرن ششم هجری نسبت بدهیم، و حال آنکه این طرز را در لیلی و مجنون نمی‌بینیم، و اشعار لیلی و مجنون کاملاً به شعرای قرن هشتم و نهم شبیه است و تمام لطایف آن دوره و مضمون بندی و نازک کاری‌های عصر جامی و هلالی و اهلی را در بر دارد.

اشعار کتاب حاضر، به قدری پخته و روان و استادانه و فصیح است که به زحمت می‌توانیم آنها را با سخنان شعرای معاصر مکتبی برابر پنداریم و اگر مکتبی دیگری در قرن ششم یا هفتم در خراسان سراغ می‌داشتیم هر آینه این کتاب را به او منسوب می‌ساختیم. اتفاقاً در نسخ حدائق السحر «رشیدالدین وطواط» هم نامی از (علی نور مکتبی) دیده شد، ولی متأسفانه بعد از طبع نسخه‌ی اخیر که به اهتمام آقای اقبال آشتیانی از روی نسخه‌ی خیلی قدیمی برداشته شده بود، علی نور مکتبی مذکور با (علی نور تکین) نامی تبدیل یافت...

با وجود این اختلاف سبک، تا دلیل ثابتی به دست نیامده، این کتاب را از مولانا مکتبی شیرازی (شاعر قرن ۹۸) باید دانست که گویا شاعر سعی داشته است که کتاب را ساده و روان در آورد و کمتر پیرامون مضمون بندی و نازک کاری و هنرنمایی‌های متداول زمان خود بگردد و چون طبعاً شاعر فصیح و مقتدر و پخته کار بوده است، این لاقیدی او باعث خوبی سبک فصاحت شعر و روانی آن شده و اگر چه در زمان خود شاعر قابل مقایسه با لیلی و مجنونش نبوده، اما امروز شاید هواداران سبک ساده و روان آن را بر لیلی و مجنون او ترجیح دهند.

دوست فاضل ما آقای رشید یاسمی چند سال قبل که نسخه‌ی این کتاب نزد ایشان به ودیعه بود، مقالاتی در سال اول مجله‌ی «آینده» در این باب نگاشتند و در موقع نوشتن این مختصر متأسفانه در دسترس نبود که از آن هم استفاده شود و آقای کوهی کرمانی در تهیه مقدمه عجله داشتند. طالبان به مجله‌ی مزبور رجوع نمایند.

بهمن ماه ۱۳۱۳ شمسی - ملک الشعراء بهار